

- سرشناسه: سبه‌ئوس، اسقف باگراتونیک، قرن ۷ م. Sebeos, Bishop of Bagratunik
 عنوان و نام پدیدآور: تاریخ سبنوس/[اسقف باگراتونیک سبه‌ئوس]: بر پایه ترجمه آر. دبلیو. تامسون و مقابله با نسخه رابرت پتروسیان: ترجمه محمود فاضلی بیرجندی.
 مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۹۶.
 مشخصات ظاهری: ۳۱۱ ص: مصور.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۸-۲۵۸-۸
 وضعیت فهرست‌نویسی: فپا
 یادداشت: عنوان اصلی: The Armenian History attributed to Sebeos, 1999.
 یادداشت: کتابنامه.
 یادداشت: نمایه.
 موضوع: ارمنستان - تاریخ - ۴۲۸-۶۴۰ م.
 موضوع: Armenia (Republic) -- History -- 428-640
 موضوع: ارمنستان - تاریخ‌نویسی
 موضوع: Armenia -- Historiography
 شناسه افزوده: تامسون، رابرت دبلیو.، ۱۹۳۴-م. مترجم
 شناسه افزوده: Thomson, Robert W.
 شناسه افزوده: پتروسیان، رابرت، ۱۹۴۹-م.
 شناسه افزوده: Bedrosian, Robert
 شناسه افزوده: فاضلی بیرجندی، محمود، ۱۳۴۱-، مترجم
 رده‌بندی کنگره: DS۱۸۶/س۲ت۲ ۱۳۹۵
 رده‌بندی دیویی: ۹۳۹/۵۵
 شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۳۴۷۹۲۷

تاریخ سبئوس

بر پایه ترجمه آر. دبلیو. تامسون
و مقابله با نسخه رابرت پتروسیان
ترجمه محمود فاضلی بیرجندی



این کتاب ترجمه‌ای است از:

The Armenian History attributed to Sebeos

translated, with notes, by R. W. Thomson
historical commentary by James Howard-Johnston
assistance from Tim Greenwood
Part 1. Translation and Notes:
Liverpool University Press, 1999



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات ققنوس

تاریخ سبتوس

بر پایه ترجمه آر. دبلیو. تامسون
و مقابله با نسخه رابرت پتروسیان
ترجمه محمود فاضلی بیرجندی

چاپ اول

۹۹۰ نسخه

۱۳۹۶

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۸-۲۵۸-۸

ISBN: 978-600-278-258-8

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۲۸۰۰۰ تومان

فهرست

یادداشت مترجم فارسی	۹
پیشگفتار	۱۷
مقدمه	۱۹
۱. سابقه تاریخی	۱۹
(یکم) ارمنستان در دوره پسین از عهد باستان	۲۰
(دوم) روابط بین قدرت‌های بزرگ	۲۳
(سوم) پایان سده ششم	۲۸
(چهارم) بازپسین جنگ بزرگ در عهد باستان	۳۲
(پنجم) فتوحات عرب‌ها	۳۷
۲. گستره جغرافیایی	۴۲
۳. درباره سبک نگارش این کتاب	۴۴
۴. سبئوس اسقف	۴۵
۵. سبئوس تاریخ‌نگار	۴۶
۶. برای آگاهی خواننده	۵۰

تاریخ سبئوس

فصل ۷	۶۱
فصل ۸	۶۶
فصل ۹	۷۴
فصل ۱۰	۸۲
فصل ۱۱	۹۰
فصل ۱۲	۹۸
فصل ۱۳	۱۰۴

١٠٦	فصل ١٤
١٠٨	فصل ١٥
١١٠	فصل ١٦
١١٣	فصل ١٧
١١٦	فصل ١٨
١١٨	فصل ١٩
١٢٠	فصل ٢٠
١٢٣	فصل ٢١
١٢٥	فصل ٢٢
١٢٧	فصل ٢٣
١٢٩	فصل ٢٤
١٣١	فصل ٢٥
١٣٤	فصل ٢٦
١٣٥	فصل ٢٧
١٣٨	فصل ٢٨
١٤٣	فصل ٢٩
١٤٥	فصل ٣٠
١٤٨	فصل ٣١
١٥٢	فصل ٣٢
١٥٧	فصل ٣٣
١٦٣	فصل ٣٤
١٧٠	فصل ٣٥
١٧٣	فصل ٣٦
١٧٧	فصل ٣٧
١٨٠	فصل ٣٨
١٨٩	فصل ٣٩
١٩٣	فصل ٤٠
١٩٩	فصل ٤١
٢٠٥	فصل ٤٢
٢١٦	فصل ٤٣

۲۱۸	فصل ۴۴
۲۲۷	فصل ۴۵
۲۳۲	فصل ۴۶
۲۵۳	فصل ۴۷
۲۵۶	فصل ۴۸
۲۶۳	فصل ۴۹
۲۶۹	فصل ۵۰
۲۷۴	فصل ۵۱
۲۷۷	فصل ۵۲
۲۸۵	نقشه‌ها
۲۹۱	منابع
۲۹۵	نمایه کسان
۳۰۱	نمایه جاها
۳۰۹	نمایه خاندان‌ها، قوم‌ها، دین‌ها

یادداشت مترجم فارسی

نگارنده این یادداشت، که دلی در گرو برگرداندن آثار ارجمند تاریخ قدیم ایران به زبان فارسی دارد، پس از ترجمه و انتشار کتاب تذکره اربیل (وقایع‌نامه آربلا) در پی ترجمه تاریخ سبئوس برآمد و اینک این ترجمه را به پیشگاه ایران و ایرانیان پیشکش می‌کند، با این توضیح که بضاعت خود را در زبان فارسی بسیار اندک ارز می‌یابد و، بر همین پایه، کار خود را پیراسته از خطا نمی‌داند و باز برخلاف رسم رایج بسیاری از متقدمان، از خوانندگان توقع چشمپوشی ندارد و بلکه چشم‌به‌راه است تا خطاها و کاستی‌های کارش را به وی گوشزد کنند.

نگارنده به مانند هر خواننده تاریخ ایران باستان نام تاریخ سبئوس را در بسیاری از ارجاعات کتاب‌های تاریخی دیده و با این نام از مدت‌ها پیش آشنا بوده است. به سابقه همان آشنایی بود که سر در پی یافتن این کتاب نهاد تا توانست سه نسخه انگلیسی آن را به دست آورد. این نسخه‌ها را جلوتر به خواننده معرفی خواهد کرد.

تاریخ سبئوس را سبئوس^۱ نامی از اهل مملکت ارمنستان مقارن سده هفتم میلادی نوشته است؛ آن زمانی بود که ارمنستان همچون ایران به تصرف مسلمانان درآمده بود. سبئوس کار نگارش کتابش را وقتی به پایان رسانده که معاویه خلیفه فرمانروایی نو تأسیس اسلامی بوده است. معاویه از سال ۴۰ تا ۶۰ ه.ق خلیفه بود و با این حساب تاریخ سبئوس یکی از قدیم‌ترین متن‌های دوره بعد از برآمدن اسلام و، به عبارتی، قدیم‌ترین متنی است که از تاریخ ایران و برخی ممالک پیرامون ایران از آن برهه در اختیار داریم.

۱. سبئوس، نامی یونانی به معنای پارسا، پرهیزکار و خداترس. ذبیح‌الله صفا عقیده دارد که سبئوس نامی است در ادبیات قدیم ارمنی که همان سپندیات است (صفا ۱۳۶۳، ص ۵۹۶).

فاصله بین سال‌های ۴۰ تا ۶۰ ه.ق که نگارش این کتاب در آن بین پایان یافته زمان کوتاهی پس از برآمدن اسلام بوده و در آن زمان هنوز مدت چندانی از فروپاشیدن ایران ساسانی نگذشته بوده است. سبئوس و دیگر هم‌میهنان او، و نیز دیگر مردم آن روزگار، از ایرانی و ارمنی و عرب و رومی، همگی شاهدان وقوع رخدادهایی بوده‌اند که حتی در زمان دینوری و طبری و بلعمی هم به تاریخ و به حدود کمابیش دویست سال پیش تعلق داشت. کار سبئوس از این جهت بکر است و دنیای باستان را در پرده دیگری مجسم می‌کند که یکسره نادیده و حتی نو است. گزارش سبئوس حتی اگر چندین دهان و به بیش از یک زبان گشته باشد هم نو است و طراوتش را از دست نمی‌دهد. یعنی اگر وی خبری را می‌دهد که خود هم شاهد آن نبوده و آن را از دیگری اخذ کرده بوده، اگر آن راوی باز روایتگر خبری از دیگری بوده، باز هم همه آن سلسله‌راویان هم‌روزگار وقوع رخدادهایی بوده‌اند که از آن سخن می‌رانده و آن را نقل می‌کرده‌اند. این امتیاز مخصوص تاریخ سبئوس است؛ امتیازی که شاید بیشتر کتاب‌های تاریخی دیگر فاقد آن‌اند. از دیگر نمونه‌های مؤید این امتیاز یکی اشاره سبئوس است به برگزار شدن سرشماری در ایران ساسانی؛ نکته‌ای که به تأیید اهل نظر در تاریخ ایران باستان، در کتاب‌های دیگر کمتر آمده یا شاید نیامده است و تازگی خود را دارد. دو دیگر، آن است که سبئوس خبرهای متنوعی از روابط بین سرداران یا سپهسالاران ایرانی آورده و چیزهای زیادی درباره مناسبات آنان با امیران و ناخاراهای ارمنستانی هم به دست می‌دهد. این خبرها موجب می‌شود که اوضاع ایران در برهه پایان شاهنشاهی ساسانی و نخستین دهه‌های پس از آن درست‌تر درک و فهمیده شود. در پرتو چنین درک و فهمی، چند و چون غروب و افول امپراتوری ساسانی روشن‌تر دریافت خواهد شد. او همچنین فرجام زندگی یزدگرد سوم را به دست سپاهیان از ممالک خاورزمین (کوشانی‌ها) ثبت کرده است. این هم نکته‌ای است که با آنچه در بیشتر کتاب‌های تاریخی در این باره ثبت است فرق دارد. دانسته‌ایم که پایان روزگار یزدگرد سوم به دست آسیابانی در مرو رقم خورده است و گزارش این رخداد، با هر شاخ و برگ که در کتاب‌های مختلف دارد، جز به همین صورت به ثبت نرسیده بود. اینک سبئوس گزارش دیگری دارد. او قتل واپسین پادشاه ساسانی را به دست افرادی از سپاهیان خاورزمینی و به قالب رویدادی نظامی ثبت می‌کند.

تاریخ سبئوس از این دست خبرهای متفاوت کم ندارد. او برخی از رخدادها را به برهه از تاریخ را به صورت دیگری به دید خواننده می‌آورد. تاریخ او از حوالی سال ۴۲۸ م

آغاز می شود و به روزگار خلافت معاویه پایان می یابد که از سال ۶۶۰ تا ۶۸۰ م (۴۰ تا ۶۰ ه.ق) است. در این فاصله، به توازی، گزارش هایش از تاریخ ایران را هم از دوره پادشاهی یزدگرد اول می آغازد و کار را با نقل خبرهایی از دوره پادشاهی دیگر شاهنشاهان ساسانی تا به آخرین پادشاه، یزدگرد سوم، پی می گیرد. در انتها نیز اخبار خودش را از سال های ابتدایی هجوم عرب ها به بیرون از عربستان نقل می کند. در این بین گاه در بیان برخی از خبرها مختصر تفاوت هایی هم دیده می شود. نمونه این موارد هم در ماجرای بستام و بندوی است. اما این را، از طرفی، می توان به حساب اختلاف روایت او گذاشت با آنچه تاکنون در اختیار داشته ایم. شاید گزارش او مقرون تر به واقع امر بوده باشد. نسبت در تاریخ را نمی توان به کنار نهاد.

درباره نسخه های انگلیسی کتاب

نگارنده این یادداشت برای آن که کار ترجمه را انجام دهد سه نسخه از تاریخ سبتوس به دست آورد. آن نسخه که پایه این ترجمه به فارسی قرار داده شد به ترجمه آر. دبلیو. تامسون است و انتشارات دانشگاه لیورپول انگلستان آن را به سال ۱۹۹۹ م منتشر کرده است. مترجم فارسی از این ترجمه دو نسخه به دست آورد که هر دو یکی است، اما گمان می رود که دو جا و با دو سلیقه حروفچینی شده یا شاید نسخه انگلیسی کتاب طبق دو سلیقه اسکن و تبدیل به کتاب الکترونیک شده است. همین مایه از اختلاف ها کمک زیادی به کار ترجمه فارسی کرد، زیرا یکی از این دو نسخه چندان نامرتب بود که گاه حتی کلمات یا جمله هایی مبهم و ناخوانا می نمود. اگر نسخه مرتب و پیراسته ترجمه تامسون به دست نمی آمد، پاره ای از جاهای کتاب به ناگزیر یا بایستی نامفهوم می ماند یا از متن حذف می شد. اینک، چنین نشده و متنی که از تاریخ سبتوس در دست خواننده است چیزی از متن انگلیسی کم ندارد.

مترجم، بجز آن، یک نسخه دیگر هم از متن تاریخ سبتوس به دست آورد که رابرت پتروسیان آن را از زبان ارمنی قدیم به انگلیسی ترجمه کرده و در مشخصات کتاب آمده که به صورت الکترونیک و در سال ۱۹۸۵ در نیویورک منتشر شده است. این متن ۶۸ صفحه دارد. تعداد صفحه های آن از ترجمه تامسون خیلی کمتر است و بخش بندی آن هم با ترجمه مذکور فرق دارد. اما مترجم فارسی پس از پایان کار، یک بار ترجمه پتروسیان را با ترجمه تامسون و متن فارسی خودش کنار هم قرار داده و مقابله کرده و در

جاهایی که به تفاوت‌های قابل اعتنا برخورد، آن‌ها را در پانویس‌ها و یادداشت‌ها آورده و با علامت «-پتروسیان» مشخص کرده است. این کار که باعث شد زمان بیشتری صرف ترجمه و انجام کار شود، حاصلش، دست‌کم از نگاه مترجم فارسی، گویاتر شدن ترجمه فارسی و کم شدن مشکلات متن آن بود؛ مشکلاتی از این قبیل که تامسون در سراسر ترجمه خود از بیزانسی‌ها به نام یونانیان یاد می‌کند و این هم برای مترجم فارسی و هم شاید برای خواننده تولید اشکال می‌کرد. یا در ترجمه تامسون، بیشتر نام‌ها (نام کسان یا جاها) در جمله‌ها نیامده است. مترجم نمی‌داند که فقدان نام‌ها در جمله‌ها شیوه نگارش سبئوس بوده یا روشی بوده که تامسون، مترجم انگلیسی، به کار بسته است. هرچه بوده، متن کتاب با این وضع قدری گنگ و نامفهوم می‌شد. در یک جمله چند بار ضمیر «او» یا «وی» آمده و این تکرار ضمائر کار دریافت متن و پی‌گرفتن روال روایت را کمی غامض می‌کند. مطابقت متن با ترجمه پتروسیان موجب شد که چنین اشکالی برطرف شود، زیرا پتروسیان نام‌های کسان یا جاها را درست در جای خودش آورده و از تکرار مکرر ضمیرها پرهیز کرده است.

درباره این ترجمه

لازم به یادآوری است که پاره‌هایی از تاریخی که سبئوس ارمنی نوشته مربوط به رخدادهای مملکت ایران در آن روزگار بوده است. پس آن خبرها و گزارش‌ها را از قول ایرانیان که لاجرم پارسی‌زبان بوده‌اند گرد آورده و به زبان ارمنی در کتاب خویش ثبت کرده است. وقتی که مترجمان انگلیسی تاریخ سبئوس را به زبان انگلیسی درآورده‌اند، متنی که از فارسی به ارمنی گشته بود باز دور دیگری زده تا به عالم زبان انگلیسی برود. در مرحله پسین که این مترجم کتاب سبئوس را به فارسی برگردانده، متنی که از فارسی به ارمنی و انگلیسی رفته بود، در پایان سفر طولانی خود، باز به فارسی بازگشته است. غرض از نقل این سفرهای زبانی آن‌که برگرداندن متنی که چند دست گشته در پاره‌ای جاها به پیچ‌ها و گره‌هایی می‌رسد که از همین سفرهای چندباره ناشی می‌شود. از این قبیل پیچ‌ها و گره‌ها مثلاً برخی واژگان کهن پارسی را می‌توان ذکر کرد که اکنون دریافتن معنا یا حتی ضبط درست آن دشوار می‌نماید. مترجم برای چیرگی بر این مشکل و گذشتن از این پیچ‌های زبانی با پاره‌ای از آگاهان تاریخ باستان ایران و نیز کارشناسان زبان‌های پارسی کهن مشورت‌ها کرده و از راهنمایی‌های آنان بهره برده است.

اما دربارهٔ راه و روش ترجمه آنچه گفتنی است یکی این که مترجم تا جایی که توانسته سبک و سیاق متن انگلیسی را حفظ و مراعات کرده است. در مورد سبک نگارش هم، در متن انگلیسی تاریخ سبئوس نام‌های کسان و جاها در همهٔ جاهایی که لازم است نیامده و کلمات اشاره یا ضمیرها بر جای آن نشسته است؛ یعنی گاه ممکن است جمله‌ای به بیش از یک نفر ربط یابد یا چند بار در یک جمله به جایی یا جاهایی اشاره شود، بی آن که نام آن شخص یا جا آورده شده باشد. توضیح این که برای ضبط نام‌های جاها و کسان شکل مضبوط در منابع معتبر فارسی، از جمله دایرةالمعارف فارسی، مبنای گرفته شده و سپس، برای کاهش احتمال خطا در درک مطلب و منظور نویسنده، در پانویس‌ها و یادداشت‌ها توضیح داده شده است.

نکتهٔ مهم دربارهٔ پانویس‌های مترجم انگلیسی و مترجم فارسی این که آوردن هر دوی آن‌ها با هم در پایین هر صفحه باعث می‌شد که قسمت زیادی از هر صفحه – و در مواردی کل صفحه – به پانویس‌ها اختصاص یابد و در صفحه‌آرایی هم مشکلاتی به وجود می‌آورد. برای رفع این مشکل پانویس‌هایی که در هر صفحه آمده و با شماره‌های بدون پرانتز در متن مشخص شده مربوط به مترجم انگلیسی است. بیشتر این پانویس‌ها به فارسی ترجمه و آورده شده است؛ مگر آن پانویس‌هایی که ارجاعات به نسخه‌های ارمنی یا بیان اختلاف نسخه‌ها یا مقایسه و مطابقت متن با کتاب‌های دیگر بوده که عموماً هم با نشانه‌های اختصار درج شده و چون مترجم فارسی به اصل آن‌ها دسترسی نداشته، و از طرفی بیم درنیافتن درست منظور مترجم انگلیسی را داشته، از برگرداندن آن پانویس‌ها صرف‌نظر کرده است. اگر مترجم فارسی در مواردی لازم دانسته که توضیح بیشتری به پانویس‌های مترجم انگلیسی داده شود، آن را در داخل قلاب آورده و در پایان با علامت «...م.» مشخص کرده است (در داخل متن نیز عبارت‌های داخل قلاب اگر با علامت «...م.» مشخص شده مربوط به مترجم فارسی و در غیر این صورت مربوط به مترجم انگلیسی است). همچنین پانویس‌ها و توضیحات مترجم فارسی به آخر هر فصل منتقل شده و تحت عنوان «یادداشت‌ها» آمده و در داخل متن هم با شماره‌های داخل پرانتز مشخص شده است. مترجم فارسی برای آوردن این یادداشت‌ها و توضیحات بیشتر به کتاب‌های قدیم رجوع کرده و از آن‌ها نقل کرده است. فقط در بعضی موارد به منابع متأخر روی آورده است. در پایان کتاب هم مشخصات کامل منابع مورد استفاده را آورده است.

نکته دیگر در باب روش کار این که مترجم کوشیده است تا زبان ترجمه را از واژگان، اصطلاحات و تعبیرهای متداول در زبان فارسی روزمره دور نگه بدارد. نیز سر آن داشته تا ساخت‌های زبان انگلیسی هم به متن فارسی راه پیدا نکند. از این قبیل که مثلاً در انگلیسی جمله‌ها در جاهایی به حال مفعولی ادا می‌شود، اما جمله در زبان فارسی حالت مفعولی ندارد. همچنین در انتهای کتاب فهرست اعلام آمده که در آن حتی نام جاهای ناآشنایی هم آورده شده که شاید در زمره آبادی‌های خیلی کوچک یا حتی آبادی‌ها یا شهرهایی باشد که دیگر بر نقشه جغرافیایی دیده نشود. این قبیل نام‌های جغرافیایی آگاهانه در فهرست آورده شده تا به فرهنگ جغرافیایی زبان فارسی درآید و در آن ثبت شود.

در اهمیت این کتاب

مترجم فارسی درباره اهمیت و ارج کتاب تاریخ سبئوس، شخص او، سبک و سیره او در تاریخ‌نویسی و دیگر نکته‌های توضیحی که ممکن است حکم درآمد را برای خواننده فارسی زبان داشته باشد چیزی نیاورده است؛ فقط به دو پاره از دو کتاب استناد کرده و در عوض پیشگفتار مترجمان انگلیسی و بخش‌هایی از مقدمه ایشان را به فارسی درآورده و آن را مقدم بر متن تاریخ سبئوس در کتاب گنجانده است. این پیشگفتار و مقدمه البته خصوصیت‌های خودش را در نگاه به تاریخ دارد و نیز خصوصیت‌هایی دارد که ای بسا محل ایراد یا رد باشد، اما سربه‌سر خواندنی است و خواننده را هم با اصل متن و هم با خیلی از نکته‌ها در پیرامون کتاب، مؤلف کتاب، تاریخ باستان ایران و ارمنستان و روم و مناسبات میان این ممالک، و... آشنا می‌کند. اما آن دو پاره که محل استناد است این‌هاست:

تاریخ سبئوس یکی از منابع اندکی است که معاصر رویدادهای مندرج در آن بوده و تا به روزگار ما رسیده است. از این رو باید به آن تاریخ با اعتماد کامل نگریست.

کولسنیکف ۲۵۳۵، ص ۱۵۹

۱. برای مشخصات کامل این کتاب (و نیز سایر کتاب‌ها) بنگرید به بخش منابع در پایان کتاب حاضر. یادآور می‌شود که انتشارات کندوکاو در تهران نیز کتاب کولسنیکف را در سال ۱۳۸۹ با عنوان ایران در آستانه سقوط ساسانیان منتشر کرده است.

سبئوس منبع اصلی درجه یکی است. وی عمدتاً رویدادهای پادشاهی پیروز (۴۵۹-۴۸۴ م) و دوره بعد از او را تا سال ۵۹۱ م گزارش می‌کند. اما پس از آن با جزئیاتی بیشتر به آخرین مرحله شاهنشاهی ساسانی در روزگار فتوح تازیان می‌پردازد. اثر سبئوس یکی از مهم‌ترین منابع ما برای پادشاهی خسرو دوم و دوره پس از وی است.

یارشاطر ۱۳۸۱، ص ۸۹۲

در اهمیت تاریخ سبئوس این را هم باید گفت که نگارش این کتاب مقارن سال‌های خلافت معاویه (۴۰ تا ۶۰ ه.ق) پایان یافته است. این یعنی که تاریخ سبئوس قدیم‌ترین و نزدیک‌ترین منبع به رخداد‌های دوره فروافتادن ساسانیان و وقایع پیش و پس از آن است. سبئوس خواننده را به زمانی می‌برد بسیار قدیم‌تر از منابع موجود تاریخی، و باز مهم‌تر آن‌که وی عمدتاً از مشاهدات خود می‌گوید و فقط روایتگر روزگاران گذشته نیست.

نکته‌ای که این‌جا مخصوصاً لازم به یادآوری است تعبیر مترجمان انگلیسی و نیز شخص سبئوس است درباره کسانی که برای مسلمانان حرمت و قداست دارند. سبئوس و نیز مترجمان انگلیسی نام شخصیت‌هایی چون پیامبر اسلام [ص] یا امام علی [ع] را با ضمیر سوم شخص و بدون مراعات احترامی آورده‌اند که معمول مسلمانان است. در ترجمه فارسی برای رعایت شأن این بزرگان و آنچه شیوه معمول مسلمانان است حروف اختصاری [ع] و [ص] اضافه شده است و در پانویس‌ها و یادداشت‌ها در مورد شخصیت مورد نظر توضیحاتی داده شده است. یا مثلاً سبئوس بنا به ناشادی از حمله مسلمانان به ارمنستان از آن‌ها با واژگان تند و دور از لطف سخن یاد می‌کند. این واژگان و سخنان کم‌لطف او عیناً به فارسی درآورده شده تا در اصل متن خدشه‌ای وارد نشود. مترجم این توضیح و یادآوری را در این‌جا آورده تا پندار سهل‌انگاری او برای خواننده به هم نرسد. علاوه بر این، تاریخ سبئوس، سوای واگویی چیزهایی از تاریخ مردم و سرزمین ایران، گواه دیگری است بر دینداری و خدا‌باوری ایرانیان از روزگاران باستان. در این کتاب اگر به آن بخش‌هایی از احوال و رخداد‌های ایرانیان هم توجه شود که به روزگار پیش از ورود اسلام ربط دارد، باز هم ملاحظه خواهد شد که جوهر قاطبه ایرانیان، و مخصوصاً سرشت حکومت ایرانی، با تدین و خدا‌باوری درآمیخته بوده است. این یادآوری از آن روی لازم می‌نمود که آمدن پاره‌ای تعبیرهای عاری از احترام متداول در این کتاب موجب نشود که در نظر خوانندگان شایبه دوری این متن از دین و تدین شکل بگیرد.

مترجم هم بر خداباوری مردم میهنش از ازمئه دیرین تاکنون إشعار دارد و هم آن را بخشی جدانشدنی از موجودیت تاریخی این مردم می‌شناسد.

تهیه نسخه‌ای از کتاب تاریخ سبئوس را، که پایه این ترجمه قرار گرفت، مدیون خانم دکتر پروانه پورشریعتی هستم. نسخه دیگر را جناب حسام‌الدین شافعیان از آمریکا برایم فرستادند. آن نسخه تاریخ سبئوس که ترجمه رابرت پتروسیان است به مهر آقای ادیک باغداساریان مترجم نامدار زبان ارمنی به دستم رسید. مهر و بخشندگی اینان را ارج می‌نهم.

جناب باغداساریان خصوصاً، و تنی چند از دیگر ارمنیان دانشمند عموماً، برای دریافت مفاهیم و اصطلاحات ارمنی کمک‌های شایانی به من کرده‌اند. اگر دانش استاد دکتر محمدتقی راشد محصل در تهران و استاد رهام اشه از فرانسه از من دریغ می‌شد چندین واژگان کهن حتماً نامعلوم و ناگشوده می‌ماند. آقایان جواد مفرد کهلان از سوئد و بزرگمهر لقمان در تهران هم برای راه یافتن به کنه پاره‌ای لغات کمک بسیار کرده‌اند. و نیز بایسته می‌دانم تا یاری‌های پیوسته دکتر میرزا محمد حسنی را ارج نهم. به گفته ابوالفضل بیهقی دبیر «باقی باد این مهتران و دوستان نیک».

با همه این‌ها، چنان‌که در آغاز نوشتم، کارم را برکنار از کاستی نمی‌بینم. اما چیزی که مرا رو می‌دهد تا شرم را یک سو نهم همان مهر به میهنم ایران است. باشد که این کوشش به دستان کم‌توان این فرزند این خاک، گام کوتاهی در روشن‌تر شدن گذشته میهن و اهالی آن باشد. اگر چنین شده باشد، کلاه خود به آسمان می‌اندازد.

پیشگفتار

کتاب تاریخ منسوب به سبتوس ارمنی به اشتراک [از ارمنی به انگلیسی. -م] ترجمه شده است. جیمز هاوارد جانستون مدتی را به مطالعه منابع ارمنی زبان گذراند تا با تاریخ نیمه اول سده هفتم میلادی، جنگ‌های بیزانسی‌ها و ساسانیان و نیز نخستین برهه از فتوحات مسلمانان آشنا شود. در سال ۱۹۹۲، موقعی که رابرت تامسون به آکسفورد آمد، بخش‌هایی از تاریخ سبتوس را به اتفاق همدیگر خواندیم. در سال ۱۹۹۴ دکتر مری ویتبی از سوی گروه مصححان متون مترجم تاریخی به سراغ ما آمد و ترجمه این متن کلاسیک ارمنی را برای آن مجموعه به زبان انگلیسی با ما در میان گذاشت. ما هم با خود قرار گذاشتیم که رابرت تامسون ترجمه‌ای از متن را با پانویس‌هایی درباره نکاتی تهیه کند که خصوصاً به ارمنستان ربط پیدا می‌کند، و جیمز هاوارد جانستون هم تفسیری تاریخی در بیان جایگاه کتاب سبتوس در پهنه تاریخ خاور نزدیک در آن دوران فراهم آورد.

حاصل این‌ها کار مشترکی است که با رایزنی‌های مداوم مؤلفان پدید آمده است. با این همه، بار اصلی مسئولیت کار بر دوش رابرت تامسون و پانویس‌های اوست. امید داریم که این کتاب به کار خواننده‌ای که با تاریخ و فرهنگ ارمنستان آشنا نباشد هم چندان بیاید که به او امکان دهد تا نگاه عمیقی به کتاب بیندازد و افزون بر آن ملتفت مسائل گوناگونی هم بشود که در کتاب سبتوس ارمنی موجود است و ما را در طول ترجمه به خود مشغول می‌داشت.

برای ترجمه این کتاب سخت مدیون تیموتی گرین‌وود هستیم. او بخش‌های کار را در نسخه نهایی به یکدیگر ربط داد، فهرست اعلامی برای اصطلاحات فنی تهیه کرد و نیز یادآور نکته‌هایی شد که کمک‌کار فهم این متن در طول ترجمه‌اش بود. بنیاد نوبر پاشا در

دانشگاه آکسفورد با کرم خویش موجب پدید آمدن این کتاب شد. نقشه‌های شماره یک تا سه کار استاد آر. اچ. هیوسن و نقشه شماره چهار هم کار جیمز هاوارد جانستون است.

رابرت دبلیو. تامسون، جیمز هاوارد جانستون

دانشگاه آکسفورد

سپتامبر ۱۹۹۸ [شهریور ۱۳۷۷]